



نوع مقاله: علمی پژوهشی
عزیزیان، امید و جعفری، علی اکبر (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر روند توسعه‌ی سیاسی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان پس از انقلاب اسلامی ایران). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷(۱۶)، ۸۵-۶۱.

تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر روند توسعه‌ی سیاسی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان پس از انقلاب اسلامی ایران)

امید عزیزیان^۱ و علی اکبر جعفری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۳

چکیده

سرمایه‌ی اجتماعی که از مفاهیم مهم علوم اجتماعی به شمار می‌رود در بهبود شاخصه‌های توسعه سیاسی موثر است. یکی از مهم‌ترین مباحث سرمایه‌ی اجتماعی، در ارتباط با بسط اجتماعات مدنی است. همبستگی اجتماعی و هماهنگی سیاسی که از طریق پیوند مردمی به یمن حضور در نهادهای مدنی به دست می‌آید؛ ثبات سیاسی را نیز تقویت می‌کند. پرسش‌های راهبر در این پژوهش عبارتند از: نهادهای مدنی با چه مکانیزمی بر روند توسعه‌ی سیاسی تأثیر می‌گذارند؟ نهادهای مدنی موجود در استان کردستان، پس از انقلاب اسلامی ایران، چه تأثیری بر مشارکت مدنی و توسعه‌ی سیاسی گذاشته‌اند؟ در این پژوهش با بهره‌گیری از مبحث تئوریک ارتباط میان مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی مورد تبیین قرار گرفته است. برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های این موضوع در استان کردستان، از روش پژوهش آماری بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که هر مقطع در استان کردستان، نهادهای مدنی تقویت شده‌اند، میزان اعتماد و سرمایه‌ی اجتماعی افزایش پیدا کرده است، رغبت مردم به حضور و فعالیت در نهادهای مدنی بیشتر شده است و پاره‌ای از شاخصه‌های توسعه‌ی سیاسی نیز بهبود یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌ی اجتماعی؛ نهادهای مدنی؛ توسعه‌ی سیاسی؛ کردستان.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه مازندران،omidazizyan@gmail.com
۲- دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، a.jafari@umz.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی و اقتصادی، سرمایه‌ی دیگری به نام سرمایه‌ی اجتماعی^۱ نیز مورد توجه قرار گرفته است. از لحاظ پیشینه‌ی تاریخی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی باید گفت؛ که این اصطلاح در معنای مدرن خود، ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های هانیفان^۲، سرپرست وقت مدارس ویرجینای غربی در آمریکا، به کار رفت. وی سرمایه‌ی اجتماعی را حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای می‌داند که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کفایت می‌کنند (الوانی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۶). بعد از او، محققان و جامعه‌شناسان بسیاری مطالعات و نظریه‌های خود را در این خصوص ارائه داده‌اند؛ افرادی چون؛ جین جاکوب^۳ استاد مسائل شهری، گلن لوری^۴ اقتصاددان، ایوان لایت^۵ جامعه‌شناس، فوکویاما فیلسوف^۶، کلمن^۷ جامعه‌شناس، پاتنام^۸ دانشمند علوم سیاسی و پیر بوردیو^۹ جامعه‌شناس؛ اما از میان همه آن‌ها، جیمز کلمن اولین کسی است که به صورتی منسجم و قوی به بحث سرمایه‌ی اجتماعی پرداخت. او با مقاله‌ی «سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه‌ی انسانی»، اثر مهمی را در ادبیات جامعه‌شناسی توسعه، پدید آورد. بعد از او، رابرت پاتنام نیز در سال ۱۹۹۳ با چاپ کتاب «بنای دموکراسی کارآمد؛ سنت‌های مدنی» و مقاله‌ی «بولینگ یک نفره؛ کاهش سرمایه‌ی اجتماعی آمریکا»^{۱۰} در سال ۱۹۹۵، باعث توجه بیشتر عموم به ایده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی شد. سرمایه‌ی اجتماعی یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است؛ که از طریق تشویق افراد به «همکاری» و «مشارکت» در تعاملات اجتماعی، قادر است به حل میزان بیشتری از معضلات موجود در آن اجتماع، فائق آید؛ و حرکت به سوی رشد و توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را امکان‌پذیر سازد. مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در مطالعات بین‌رشته‌ای علوم اجتماعی، طی چند دهه‌ی اخیر مورد توجه قرار گرفته است. با طرح نظام‌مند و آکادمیک مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در کنار مفاهیمی همانند؛ سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی سیاسی در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰، دریچه‌ای جدید پیرامون

-
- 1- Social Capital
 - 2- Political Development
 - 3- Hanifan
 - 4- Jean Jakob
 - 5- Gallen Lurry
 - 6- Ivan Light
 - 7- Fukuyama
 - 8- Coleman
 - 9- Robert Putnam
 - 10- Pierre Bourdieu
 - 11- Bowling Alone; America's Declining Social Capital

مطالعات بین‌رشته‌ای در ارتباط با این مفهوم گشوده شد. مطرح شدن مباحثی همانند؛ شبکه‌های اجتماعی میان افراد جامعه، بحث اعتماد عمومی میان افراد یک اجتماع و مجموعه‌های هنجارهای قوام‌بخش که کارایی تسهیل بخشی امور سازمانی و مشارکت جمعی را بهبود ببخشد. از جمله مهم‌ترین موضوعاتی هستند؛ که در مطالعات بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. در این میان، در مطالعات مربوط به علوم سیاسی، به ویژه در حوزه‌ی جامعه‌شناسی سیاسی و مسائل مربوط به نوسازی، موضوع سرمایه‌ی اجتماعی مورد توجه جدی قرار گرفته و محققان آن را منبعی اساسی برای دستیابی به توسعه‌ی سیاسی^۲ دانسته‌اند.

با نگاهی به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه‌ی سیاسی، همچون حفظ آزادی‌های مدنی، تشکیل نهادهای مدنی و مشارکت سیاسی؛ می‌توان به آسانی به این امر پی برد که سرمایه‌ی اجتماعی، ابعادی گسترده از هم‌پوشانی و تأثیرگذاری را در روند توسعه‌ی سیاسی دارد. موضوع تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر روند توسعه‌ی سیاسی، به نوع رابطه‌ی بین مردم و دولت‌مردان می‌پردازد و می‌تواند در شکل‌گیری مفهوم شهروندی و همچنین تحکیم جامعه‌ی مدنی، نقشی اساسی داشته باشد. در جامعه‌ی مدنی، نهادهای قانونمند به عنوان واسطه‌ی بین دولت و مردم، در تعدیل روابط بین آنها ایفای نقش می‌کنند و این موضوع، محصول سرمایه‌ی اجتماعی است. سرمایه‌ی اجتماعی؛ همچنین ضمن تعدیل روابط، به گسترش انسجام و همبستگی و افزایش حس اطمینان در جامعه کمک می‌کند و موجب بسط مشارکت سیاسی عمومی و حفظ روابط متقابل مردم با دولت می‌گردد. مهم‌ترین نمود سرمایه‌ی اجتماعی در عرصه‌ی سیاسی، اعتماد مردم به حکومت و مشارکت آنها در نهادهای مدنی گوناگون است. این سرمایه‌ی اجتماعی (یعنی اعتماد مردم به نظام سیاسی و حکومت در صحنه‌های گوناگون) یکی از مصادیق بارز موفقیت در تکوین توسعه‌ی سیاسی هر کشور است. از این رو؛ می‌توان موضوع مورد مطالعه این نوشتار را در وهله‌ی نخست در ارتباط با مفهوم کلی سرمایه‌ی اجتماعی و به ویژه؛ تأثیر نهادهای مدنی بر توسعه‌ی سیاسی به لحاظ نظری بررسی کرد، سپس پیوند این دو را در روند گذار استان کردستان به توسعه‌ی سیاسی در سال‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷، مورد ارزیابی قرار داد. در این مقاله، در وهله‌ی نخست به اهمیت تأثیر تشکیل نهادهای مدنی در توسعه‌ی سیاسی از منظر پاتنام خواهیم پرداخت؛ سپس از همین منظر، روند شکل‌گیری و تکوین سرمایه‌ی اجتماعی موجود در جامعه‌ی ایران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و چگونگی تأثیر آن در ارتقای توسعه‌ی سیاسی در استان کردستان تحلیل خواهد گردید. همچنین به این پرسش نیز پرداخته خواهد شد که در چه مقاطعی از تاریخ بعد از انقلاب سال ۵۷ و چگونه سیاست‌های دولت و شبکه‌ی بوروکراسی حکومتی در رشد یا کاهش سرمایه‌ی اجتماعی در استان کردستان نقش داشته‌اند.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

در ارتباط با موضوع این مقاله، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است؛ در این پژوهش‌ها به وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی در استان کردستان و تاثیر آن بر روند بهبود توسعه‌ی سیاسی انجام نگرفته است. بیشتر این پژوهش‌ها، مباحث تئوریک و نظری را پیرامون مسئله‌ی توسعه‌ی سیاسی و یا سرمایه‌ی اجتماعی طرح نموده و به ندرت بررسی از وضعیت عینی توسعه‌ی سیاسی در منطقه‌ی خاص از کشور مورد توجه واقع شده است. در پژوهش حاضر، علاوه بر توسعه‌ی سیاسی، وضعیت شاخصه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در استان کردستان نیز مورد بررسی قرار گرفت. تعدادی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی را که تا حدودی با موضع مقاله مرتبط هستند در مقام پیشینه و ادبیات موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد:

یکی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع، رساله‌ی دانشگاهی است با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» که توسط محمد قادری نگاشته شده است. این رساله در دانشکده‌ی معارف و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۸۸ ارائه شد. نتیجه‌ی حاصله از رساله، بدین مضمون است که برخلاف انطباق مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی با آموزه‌های اخلاقی و روش حکومت‌داری مطلوب اسلام، استفاده شایسته‌ای از این مفهوم و افزایش ظرفیت‌های آن در فرآیند توسعه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی به عمل نیامده است (قادری، ۱۳۹۰).

دومین پژوهش انجام شده که ارتباط زیادی با موضوع حاضر دارد؛ مقاله‌ای است با عنوان «نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه‌ی سیاسی» نوشته‌ی محمد مهدی نصوحیان. در این پژوهش نویسنده، رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی را با توسعه به‌طور عام و رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی را در قالب اعتماد عمومی میان مردم و حکومت با توسعه‌ی سیاسی به‌طور خاص مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش در ارائه‌ی داده‌های عینی جامعه‌ی ایران در ارتباط با بحث توسعه‌ی سیاسی ناموفق بوده و صرفاً در قالب مباحث تئوریک به بررسی رابطه‌ی اعتماد عمومی با توسعه‌ی سیاسی می‌پردازد (نصوحیان ۱۳۸۷).

سومین پژوهش انجام شده که می‌تواند که تا حدودی با موضوع این پژوهش به ویژه بحث سرمایه‌ی اجتماعی مرتبط باشد؛ با عنوان «بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و امنیت ملی» در دانشگاه رازی کرمانشاه در سال ۱۳۸۹ ارائه شده است. در این رساله که در ۵ فصل انجام شده است، در فصول ابتدایی به بررسی مفاهیم و شاخصه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت ملی پرداخته

می‌شود و سپس تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر امنیت ملی با نظر بر پنج مرحله بحران لوسین پای؛ (هویت، مشروعیت، مشارکت، توزیع و نفوذ) مورد بحث قرار می‌گیرد. علاوه بر این، نتیجه‌ی تحقیقات این پژوهش دانشگاهی این است که، فقدان ارتباط و سرمایه‌ی اجتماعی به ترتیب دو مسئله‌ی؛ خودبیگانگی و تضعیف ارتباط را در پی داشته‌اند و از این جهت به تضعیف امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران منجر شده‌اند (حیدری، ۱۳۸۹).

پژوهش دیگری، با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی در ایران» به قلم داریوش بوستانی به نگارش در آمده است. در این نوشته نویسنده، ابتدا مروری بر پیشینه‌ی موضوع دارد؛ سپس در مبحث چارچوب نظری به اختصار نظریات اندیشمندان را پیرامون سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی مورد بازخوانی قرار می‌دهد. در بخش یافته‌ها نویسنده، با مشخص نمودن سه مبحث اعتماد، مشارکت و عضویت در سازمان‌ها و شبکه‌ی اجتماعی و هنجارها به عنوان شاخص‌های تحلیل به این نتیجه می‌رسد که در جامعه‌ی ایران، این سه متغیر بسیار ضعیف هستند، و سطح سرمایه‌ی اجتماعی بسیار پایین است؛ اما در بخش توسعه‌ی سیاسی با مدنظر قرار دادن سه شاخص آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی و مشارکت سیاسی نسبت آمار ایران را با کشورهای پیشرو بسیار پایین می‌داند.

در مجموع پژوهش‌های صورت گرفته که به آنها اشاره شد مسائل نظری مهمی حول محور سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی مطرح نموده است؛ که می‌تواند در غنا بخشیدن به این پژوهش کمک کند. اما در هیچ کدام از این پژوهش‌ها، مشخصاً ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی در یک چارچوب نظری خاص مورد بحث قرار نگرفته است؛ که در این پژوهش ضمن طرح بحث تئوریک در باب ارتباط بین این دو مفهوم، این تئوری‌ها را در بررسی وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی و نقش آن در بهبود توسعه‌ی سیاسی استان کردستان مورد واکاوی قرار داده است. علاوه بر این، با استفاده از داده‌های آماری که در هیچ کدام از پژوهش‌های پیشین به کار گرفته نشده و صرفاً مبانی تئوریک مورد نظر واقع شده است؛ تلاش گردید که ارتباط مفاهیم تئوریک را مورد تبیین قرار دهد.

۲-۲- چهارچوب نظری

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در مبحث سرمایه‌ی اجتماعی، رابرت پاتنام است. پاتنام مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه‌ی اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه‌ی اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک علاقه‌مند است. از نظر پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها،

هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر، اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر، سرمایه‌ی اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه جدا شدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله؛ اطلاعات مربوط به شهرت کنش‌گران و تجسم موفقیت‌های گذشته، سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند (شاه‌حسینی، ۱۳۸۱: ۷۵). وی برخلاف دیگر نظریه پردازان، صرفاً بر خصلت جمعی سرمایه‌ی اجتماعی تأکید و آن را به منزله‌ی دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی کرده است (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۱). در واقع معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی به دلیل خصلت جمعی می‌تواند در پیشبرد اهداف جمعی نیز موثر باشد.

به نظر این محقق، یک نهاد دموکراتیک خوش‌عمل‌کرد باید از دو ویژگی پاسخ‌گویی و کارآمدی برخوردار باشد یعنی؛ حساس نسبت به تقاضاهای مخاطبان و کارآمد در استفاده از منابع محدود برای برآوردن این تقاضاها (پاتنام، ۱۳۹۲: ۳۲). پاتنام در کتاب «بولینگ به تنهایی»^۱ بیان می‌دارد که سرمایه‌ی اجتماعی در آمریکا، به خاطر کاهش فعالیت در انجمن‌ها ناشی از یک جهش نسلی، ظهور تلویزیون و افزایش زمان صرف شده برای رفت و آمدهای مکرر، در حالت زوال طولانی مدت است. ایشان معتقد است زوال سرمایه‌ی اجتماعی (که با کاهش فعالیت در انجمن‌ها سنجیده می‌شود) مسئله‌ساز است؛ او نشان می‌دهد که وضعیت بهتر سرمایه‌ی اجتماعی، با شاخصه‌های بهتر رفاه همبستگی دارد (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۴۱-۴۰). به عبارتی دیگر، هرچه سطح رفاه جامعه بهتر باشد؛ امکان تحقق سرمایه‌ی اجتماعی بیشتر است؛ اما در جوامعی که سطح رفاه شهروندان پایین باشد، آنها رغبت کمتری برای حضور موثر و فعالیت کارآمد در انجمن‌ها و نهادهای مدنی دارند. از این رو، در چنین جوامعی به مراتب سرمایه‌ی اجتماعی کم‌رنگ‌تر خواهد بود.

پاتنام در دهه‌ی ۱۹۷۰ در اثر مهم خود «فعال‌سازی دموکراسی»^۲؛ رابطه‌ی سرمایه اجتماعی با کارایی نهادهای دولتی و میزان دموکراسی را در ایتالیا بررسی کرد. پاتنام در این پژوهش، میزان کارایی حکومت را در ۲۰ ایالت محلی مورد ارزیابی قرار داد و به نتایج قابل تأملی دست یافت. قوانین، نظام سیاسی و نهادها در تمام این مناطق مشابه هم بودند؛ اما در عملکرد بین این ایالت‌ها تفاوت‌های اساسی مشاهده شد. ناکارآمدی و فساد سیاسی در جنوب، و پیشرفت، رفاه اقتصادی و ثبات در شمال ایتالیا کاملاً قابل لمس بود (پاتنام، ۱۳۷۹: ۵۵). به عبارتی، پاتنام علل تفاوت جنوب و شمال را در وجود الگوهای مشارکت مدنی و همبستگی بالا در مناطق شمال

1 - Bowling Alone

2 - Activation of Democracy

تلقی می‌کرد. او کارآمدی دموکراسی را به وجود توازنی میان حقوق فردی و مسئولیت جمعی منوط می‌دانست.

پاتنام به دلایلی متعدد، زندگی در جامعه‌ای را که دارای میزان قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌ی اجتماعی است، راحت‌تر می‌داند؛ زیرا شبکه‌های فعالیت مدنی هنجارهای قدرتمند بده-بستان فراگیر را تقویت می‌کند و مشوق ظهور اعتماد اجتماعی هستند. از این رهگذر، شبکه‌های متراکم تعامل می‌توانند مفهوم «خود» مشارکت‌کنندگان را گسترش داده و «من» را به «ما» تبدیل کنند؛ یا «تمایل» مشارکت‌کنندگان برای کنش جمعی را تقویت نمایند (پاتنام، ۱۹۹۵: ۶۷). رابرت پاتنام در قالب چهار مفهوم اساسی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را مورد مذاقه قرار می‌دهد و تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی را بر توسعه‌ی سیاسی تحلیل می‌کند؛ این چهار مفهوم محوری عبارت‌اند از: بسط اجتماعات مدنی (مشارکت مدنی)، تحزب‌گرایی، همبستگی اجتماعی و اعتماد اجتماعی میان دولت و مردم، و مسئولیت‌پذیری جمعی. در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع مورد مطالعه، صرفاً مفهوم بسط اجتماعات مدنی و نمودهای عینی آن در استان کردستان در ارتباط با توسعه‌ی سیاسی مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرند.

۲-۱-۲- بسط اجتماعات مدنی (مشارکت مدنی) و بهبود روند توسعه‌ی سیاسی

اولین مفهومی که پاتنام در مطالعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی موردنظر قرار می‌دهد، «مشارکت مدنی» است. اجتماعات مدنی یکی از مولفه‌های مهم سرمایه‌ی اجتماعی است که در گذار به توسعه‌ی سیاسی بایست مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی، تحقق توسعه‌ی سیاسی جز در سایه‌ی وجود جامعه‌ی مدنی امکان‌پذیر نیست. جامعه‌ی مدنی از طریق تحدید قدرت دولت، زمینه را برای مشارکت گروه‌های مختلف جامعه در عرصه‌ی سیاست فراهم می‌کند. کوهن و آرتور^۱ جامعه‌ی مدنی را حیطه‌ای متشکل از خانواده، اتحادیه‌های داوطلبانه، تشکلهای اجتماعی و انواع صور ارتباطات جمعی و تحرک‌های فردی به‌شمار می‌آورند که به وسیله‌ی قوانین و حقوق هویتی نهادینه شده است (پایا، ۱۳۷۷: ۳۹). از این رو، جامعه‌ی مدنی با مشارکت گروهی از مردم و اعتماد متقابل آنها به یکدیگر، به منظور رسیدن به یک هدف مشترک اجتماعی شکل می‌گیرد.

نوع مشارکت در این اجتماعات نه به سبب اجبار؛ بلکه کاملاً داوطلبانه بوده است و شهروندان به منظور اثرگذاری بیشتر متشکل می‌شوند. اجتماعات مدنی به افراد هویت می‌بخشند و آنها برای اقدام جمعی توانمند می‌سازند. جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی سیاسی ارتباط دوسویه‌ای با همدیگر دارند؛ به طوری که بدون جامعه‌ی مدنی قوی و کارآمد، مشارکت اجتماعی و تحرک

سیاسی اندک خواهد بود و البته مشارکت سیاسی شهروندان نیز با هزینه‌های بالا همراه خواهد بود. بنابراین، گشایش سیاسی با مشکل مواجه می‌شود و در مقابل زمینه‌های ایجاد تنش سیاسی هم در سطح نخبگان و هم در سطح توده‌های مردم قابل انتظار هست که این مسئله ممکن است با تشدید شکاف‌های سیاسی در مراحل بعدی حیات سیاسی نظام‌ها را به صورت جدی تهدید کند. از سوی دیگر، غفلت از توسعه‌ی سیاسی موجب عدم رشد هویت جمعی و جامعه‌ی مدنی و توانایی‌های آن (عقلانیت فرهنگی و ارتباطی) از یک طرف، و گسترش نامعقول ابزارگونگی فرد و جامعه (عقلانیت ابزاری) از طرف دیگر، خواهد بود (اخوان کاظمی، ۱۳۷۷: ۳۸). تقویت و توانمندسازی جامعه‌ی مدنی در مقابل دولت، از طریق قانون‌مندی امکان‌پذیر است. البته بدون نهادینه شدن فرهنگ تساهل و تسامح و احترام به ارزش‌های دموکراتیک و همچنین مشارکت بالای شهروندان، ممکن است حتی با وجود قانون، دخالت و فشار دولت بر جامعه مدنی فعالیت این عرصه را با هزینه‌ی بالا همراه سازد تا شهروندان رغبتی به متشکل شدن نداشته باشند.

در این زمینه، پاتنام معتقد است که شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای قوی معامله‌ی متقابل را تقویت، ارتباطات را تسهیل و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند. شبکه‌های مشارکت مدنی اجازه می‌دهند که حسن شهرت‌ها به دیگران انتقال یافته و پالایش شوند. شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم موفقیت پیشینیان در همکاری هستند که می‌توانند به عنوان چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل نمایند. پاتنام، معتقد است که شهروندی در یک جامعه‌ی مدنی اول از همه؛ با مشارکت فعال در مسائل عمومی مشخص می‌شود. از نظر او، مشارکت در جامعه مدنی از روحیه عمومی بیشتری تغذیه می‌کند و بیشتر به منافع مشترک معطوف است و شهروندان در یک جامعه‌ی مدنی پویا، حوزه‌ی عمومی را فراتر از مکانی برای منازعه و تعقب منافع صرف فردی می‌دانند.

مشارکت مدنی در سایه‌ی حمایت دولت و البته مستقل از دولت، با وارد کردن گروه‌های مختلف به عرصه‌ی سیاست عملی در توسعه‌ی سیاسی موثر خواهد بود. بسط اجتماعات مدنی برای گذار به توسعه‌ی سیاسی ضروری بوده و بدون مشارکت مدنی توسعه‌ی سیاسی محقق نمی‌شود. در آرای پاتنام، اجتماعات مدنی عامل گذار به دموکراسی می‌باشند و نهادهای مدنی هستند که دموکراسی را تضمین می‌کنند (همان، ۱۳۷۷: ۱۹۲). جامعه‌ی مدنی از مفاهیم محوری اندیشه پاتنام است. از این رو، در ادامه‌ی این بخش از نوشتار، مباحث پاتنام در باب اجتماعات مدنی و در مقوله‌ی نهادهای مدنی مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

۲-۲-۲ - نهادهای مدنی (نهادهای غیردولتی) و توسعه‌ی سیاسی

تئوری سرمایه‌ی اجتماعی پاتنام، سه جزء اساسی دارد؛ هنجارها و تعهدات اخلاقی، ارزش‌های اجتماعی (به‌ویژه اعتماد)، شبکه‌های اجتماعی (به ویژه انجمن‌های دواطلبانه). عقیده‌ی اصلی پاتنام این است که هر وقت یک منطقه و یا یک کشور دارای یک سیستم اقتصادی پیشرفته و یک سیستم سیاسی کارآمد باشد؛ نتیجه تجمع موفقیت‌آمیز سرمایه‌ی اجتماعی است. این بدین معناست که سرمایه‌ی اجتماعی نقش موثری بر مشارکت، توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی یک جامعه دارد و موجب ایجاد تعادل در برقراری و استقرار سیاسی یک سیستم می‌شود (سیسیینین^۱، ۲۰۰۳: ۲۰۴-۱۸۳). در بحث پاتنام، پیرامون تأثیر مشارکت مدنی بر توسعه‌ی سیاسی، فعال بودن نهادهای مدنی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در واقع، نهادهای مدنی، تشکلهای سازمان‌های مردم‌نهاد غیروابسته به دولت هستند که در راستای تأمین مطالبات گروه‌های مردمی و حمایت از منافع آنها شکل می‌گیرند؛ اما ضد دولت محسوب نمی‌شوند. حتی در صورت فراهم بودن سازوکارهای دموکراتیک، این نهادها می‌توانند عملکردهای دولت را حمایت و تقویت کنند. مفهوم جامعه‌ی مدنی به عنوان حوزه‌ای غیردولتی، در اندیشه‌ی سیاسی به طور کلی به سه معنی به کار رفته است: یکی به عنوان وضعیت پیش از تکوین دولت، دوم وضعیت ضد دولت و سوم وضعیت پس از نابودی دولت. مفهوم اول، اساس اندیشه قرارداد اجتماعی به ویژه در آثار جان لاک بود. در این مفهوم، فرض می‌شود که جامعه‌ی مدنی پیش از تشکیل دولت وجود داشته و دولت محدودیت‌هایی برای آن ایجاد کرده است؛ یا فعالیت‌های آن را تنظیم می‌کند. در مفهوم دوم، جامعه‌ی مدنی به عنوان حوزه‌ی آزادی از قدرت دولتی و یا حوزه‌ای تلقی می‌شود که انبساط آن موجب انقباض حیطه‌ی دولت می‌گردد. در کل می‌توان جامعه‌ی مدنی را با ویژگی‌های زیر بهتر شناخت:

- ۱- از دولت استقلال نسبی دارد.
- ۲- با هسته زیست جهان افراد پیوند خورده است.
- ۳- در عین تکرر، عرصه‌ی ظهور همگان است.
- ۴- کنش‌گران عرصه‌ی آن، خود را شهروند می‌دانند؛ نه تابع و مرید.
- ۵- بر گفتگو و خرد جمعی مبتنی است.
- ۶- در بر دارنده‌ی آزادی متفاوت افراد، در عرضه و تقاضای کالا و خدمات بدون انحصارهای دولتی است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۹۹-۱۰۰).

در همین ارتباط، پاتنام معتقد است که «دموکراسی قوی بر ایده‌ی جامعه‌ای خودگردان متشکل از شهروندانی مبتنی است که بیشتر به وسیله‌ی آموزش مدنی با هم متحد شده‌اند و نه منافع هماهنگ» (پاتنام، ۱۳۹۲: ۲۰۵). او بر عنصر جامعه‌ی خودگردان تأکید می‌کند و برای شکل‌گیری این جامعه، آموزش مدنی را بیشتر از حمایت دولت موثر می‌داند. اتحاد تشکلهای بر اساس منافع و بدون لحاظ ارزش‌های مدنی در پیشبرد دموکراسی کم‌اثر هستند. پاتنام، با استناد به تحقیق خود در شمال و جنوب ایتالیا، نتیجه می‌گیرد که در مناطق شمالی، که سنت‌های مدنی قوی و نهادینه شده‌اند، شهروندان در نهادهای مدنی مشارکت دارند و نه در شبکه‌های مبتنی بر ارباب-مشرتی. منظور پاتنام از سیستم ارباب-مشرتی، همان نهادهای مبتنی بر منافع صرف است که عنصر اجبار بیش از اختیار در شکل‌گیری‌شان موثر است. پاتنام، نهادها و شبکه‌های سلسله‌مراتبی را نهاد مدنی نمی‌داند؛ چرا که اجباری بوده و رفتارها و اعمال اعضای این گروه‌ها نیز تحت تاثیر اجبار شکل می‌گیرند. در جوامع مدنی، ارزش‌هایی هم‌چون مشارکت، تساهل، اعتماد و همبستگی محترم شمرده می‌شوند و همین مسئله، دموکراسی در این جوامع (جوامع شمالی) را حاکم کرده است. در واقع می‌توان گفت؛ افرادی که در مناطق با سرمایه‌ی اجتماعی بالا زندگی می‌کنند، در شبکه‌های اجتماعی فعال‌تر هستند، و به دیگران هم اعتماد بیشتری دارند. همچنین، این افراد قابلیت تأثیرگذاری بر گرایش‌های سیاسی سایر افراد جامعه را دارند (وایزبرگ^۱، ۲۰۰۵: ۶۶۸-۶۴۶). از نظر پاتنام، شهروندان در جوامع مدنی نه به واسطه‌ی نوع دوستی یا ماهیت نیک‌شان، بلکه به خاطر نگرش‌های مدنی و نهادهای مشارکتی‌شان توانسته‌اند مقاصد مشترک و عمل متقابل داشته باشند. دموکراسی قوی با جامعه کثرت‌گرا و جدایی‌حوزه‌ی عمل خصوصی و عمومی سازگار است و در حقیقت، بر آن مبتنی است (همان، ۲۰۰۵: ۶۶۷). از این رو، برای پیشبرد توسعه‌ی سیاسی، تفکیک حوزه‌های عمومی از دولتی و میزان توان‌مندی نهادهای مدنی از اهمیتی اساسی برخوردار است.

۲-۲-۳- تفکیک عرصه‌ی عمومی از عرصه‌ی دولتی

حوزه‌ی عمومی یعنی؛ فضای بازی که در آن ارتباط آزاد و کنش آزاد شکل می‌گیرد و محصول آن، رشد افکار عمومی است. در این فضای آزاد، تمام رفتارهای دولت نقد می‌شود و مردم از تصمیمات دولت و جریان‌های پشت پرده آن آگاه می‌شوند. هدف اصلی حوزه‌ی عمومی این است که میان شهروندان، درباره‌ی «خیر مشترک» بحث‌های انتقادی عقلانی صورت گیرد؛ تا این امر به صورت‌بندی یا تدوین سلسله اقداماتی منتهی شود که در جهت منافع عموم عمل می‌کنند.

رسانه‌ها با بازتاب وسیع کاستی‌ها و انتقاد مداوم از عملکرد صاحبان قدرت زمینه‌ی رشد و تعالی جامعه را فراهم می‌کنند و از سیطره‌ی قدرت بر بخش‌های خصوصی شهروندان که از خصایل قدرت در جوامع توده‌ای و بسته است؛ جلوگیری به عمل می‌آورد.

با توجه به ویژگی‌های مذکور، می‌توان عنوان کرد که در حوزه‌ی عمومی شهروندان فرصت رشد و بالندگی پیدا خواهند نمود؛ چرا که با فراهم شدن شرایط اظهارنظر می‌توانند بر پاره‌ای از مناسبات سیاسی و اجتماعی اثرگذار باشند و مهم‌تر این‌که این اثرگذاری نه به اجبار نهادهای حاکمیت؛ بلکه کاملاً به صورت آزادانه شکل می‌گیرد. (باختین و هابرماس، ۱۳۸۴: ۲۰۱-۲۲۷). در مجموع می‌توان عنوان نمود که تفکیک عرصه‌ی عمومی از عرصه‌ی دولتی شرط تحقق جامعه‌ی مدنی و در نهایت عامل پیشبرد توسعه‌ی سیاسی است. اهمیت استقلال حوزه‌ی عمومی از نفوذ قدرت در نگاه هابرماس اهمیتی حیاتی دارد؛ چنان‌چه در کتاب «دگرگونی حوزه‌ی عمومی»، افول و از میان رفتن حوزه‌ی عمومی بورژوازی را نتیجه‌ی نفوذ دولت در حوزه‌ی خصوصی می‌داند. از آنجا که پیدایش حوزه‌ی عمومی، نتیجه‌ی تفکیک آشکار و روشن حوزه‌ی خصوصی و قدرت عمومی بود؛ نفوذ متقابل این دو در هم، به اجبار حوزه‌ی عمومی را نابود می‌کند (هولاب، ۱۳۷۵: ۲۹). پاتنام نیز عرصه‌های عمومی را زمانی برای پیشبرد روند توسعه‌ی سیاسی موثر می‌داند که نیروی توان‌مندی در مقابل قدرت‌طلبی دولت باشند. البته وی یادآور می‌شود که یک جامعه‌ی مدنی خوب حکومت را نه ضعیف؛ بلکه قوی و کارآمد می‌سازد؛ چرا که بار بسیاری از معضلاتی را که در یک «جامعه‌ی غیرمدنی» شکل می‌گیرند، از روی دوش آن بر می‌دارد و در ضمن آن را به پاسخ‌گویی به شهروندان ملزم می‌سازد (پاتنام، ۱۳۹۲: ۱۶). بنابراین، پاتنام ضمن تاکید بر تفکیک عرصه عمومی از حیطه‌ی دولتی، بر لزوم رابطه این دو تاکید می‌کند و فقط زمانی عرصه عمومی را برای پیشبرد توسعه‌ی سیاسی موثر می‌داند که قوی، فعال، کارآمد و منسجم باشد. عرصه‌ی عمومی برای خواسته‌های خود باید ضمن قانونمداری بر دولت فشار بیاورد و قدرت دولت را محدود کند (پاتنام، ۱۹۹۳: ۱۱-۳). جامعه‌ی مدنی کارآمد فقط با اتکالی به قانون می‌تواند در راستای تقویت بنیان‌های جامعه‌ی توسعه یافته نقش ایفا کند، بی تردید در جوامعی که قوانین توسط شهروندان از یک سو و صاحبان قدرت از سوی دیگر ارج نهاده نشود، جامعه‌ی مدنی هرگز به دور از دخالت مستمر حاکمان نخواهد بود.

۲-۲-۴- قدرت و توان‌مندی نهادهای مدنی

میزان توانمندی نهادهای مدنی، مؤلفه‌ی مهم دیگری است که در بحث تاثیر مشارکت مدنی بر توسعه‌ی سیاسی، توجه به آن ضروری است. در واقع، نقش مهمی که برای نهادهای مدنی در در پیش‌برد توسعه در نظر گرفته شده است، ایجاد و استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و افزایش مشارکت‌های عمومی است؛ نقشی که اگر به صورت کامل انجام پذیرد، می‌تواند کارکردهای مثبتی در یک جامعه داشته باشد. بحث مهمی که می‌توان درباره‌ی اهمیت حضور و مشارکت مردم در سازمان‌های مردم‌نهاد و کارویژه‌های مهم آن عنوان کرد، تأثیری است که این تشکلهای در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایفا می‌کنند. بدون تردید، اگر فعالیت‌های این تشکلهای مردم‌نهاد، قانونمند و بدون دخالت دولت باشند، می‌توانند نقش به‌سزایی در بهبود سطح توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین ایجاد اعتماد سیاسی و اجتماعی در جامعه ایفا کنند. هلی ول^۱ و پاتنام (۱۹۹۵) در یک اثر مشترک، سه متغیر برای تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی سیاسی در نظر می‌گیرند که هر سه متغیر به شکلی مستقیم و غیر مستقیم با نهادهای مدنی مرتبط هستند. این متغیرها عبارتند از: ۱- نهادهای مدنی؛ که خود از چهار شاخصه تشکیل شده‌اند؛ دو تای آنها به اندازه‌گیری افق دید و عمق نهاد اجتماعی (مطالعه‌ی روزنامه، وجود اجتماعات فرهنگی و ورزشی) مربوط می‌شوند و دو مورد دیگر به ساختار سیاسی شهروندان (مشارکت در انتخابات، و نحوه‌ی برخورد و تعامل با رای اکثریت) ارتباط پیدا می‌کنند. ۲- عملکرد موسسات؛ این متغیر به بیان عملکرد مقایسه‌ای دولت‌های محلی می‌پردازد. این شاخص چند عنصر جداگانه را مورد مطالعه قرار می‌دهد که شامل؛ زمان‌بندی بودجه، قانونگذاری جدید و پاسخگویی سیستم اداری و غیره می‌شود. ۳. رضایت شهروندان؛ این متغیر به میزان رضایت شهروندان از فعالیت‌های دولت‌های محلی می‌پردازد. با استفاده از این شاخصه‌ها، مشخص شد که همگرایی و تعادل درآمد در مناطق شمال ایتالیا بیشتر از مناطق جنوبی است که همه‌ی آنها به دلیل وجود سرمایه‌ی اجتماعی قوی در مناطق شمال بود.

در همین زمینه، پاتنام میزان قدرت و توان‌مندی نهادهای مدنی را در پژوهشی با عنوان «عملکرد نهادهای^۲» مورد بحث قرار می‌دهد. منظور او از عملکرد نهادی، توانایی و ظرفیت حکومت‌های محلی برای عملیاتی کردن انتخاب‌های سیاسی است. پاتنام بررسی‌اش را با این اندیشه شروع کرد که برخلاف وجود تشکیلات و ترتیب نهادی یکسان در مناطق مختلف ایتالیا، تفاوت‌هایی در زمینه‌ی بافت آنها وجود دارد که نشان می‌دهند نهادها دارای کارکرد متفاوتی هستند (نش و

1- Helliwell

2- Institutional Performance

اسکات، ۱۳۸۸: ۳۶). وی معتقد است که انجمن‌های مدنی به کارآمدی و ثبات حکومت دموکراتیک کمک می‌کنند. انجمن‌ها عادات همکاری، همبستگی و روحیه‌ی جمعی را به اعضای‌شان القا می‌کنند (پاتنام، ۱۳۹۲: ۱۶۰). به‌طور کلی، در نظریه‌ی پاتنام شبکه‌های هم‌تراز، عموماً در یک جامعه‌ی مدنی تجسم یافته‌اند و هنجارها و ارزش‌های مرتبط با این پیوندها، برای مردم در مقیاسی وسیع‌تر برای جامعه دارای پیامدهای مهمی هستند که هم باعث ایجاد منافع خصوصی و هم منافع عمومی می‌گردند. مخصوصاً شبکه‌هایی که اعضای آن‌ها را دوستان، همکاران و همسایگان تشکیل می‌دهند؛ به نحوی که روابط نزدیک اوضاع را برای همکاری، مشارکت، و تعاون در جهت ایجاد منافع جمعی بهبود می‌بخشند. به نظر می‌رسد درک متقابل، قوانین تلویحی، و شیوه‌های مورد توافق و اعتماد اجتماعی که به وسیله‌ی تماس‌های فردی و پیوندهای دوستانه ایجاد شده‌اند، باعث آسانتر شدن همکاری مردم در آینده و در جهت منافع طرفین می‌گردند (دل‌ویز، ۱۳۸۴: ۵۸-۶۰). پاتنام نهادهای مدنی را عامل همبستگی می‌داند و همین همبستگی اجتماعی و هماهنگی سیاسی که از طریق پیوند مردمی به یمن حضور در نهادهای مدنی به دست می‌آید، ثبات سیاسی را نیز تقویت می‌کند. ثبات سیاسی از پیش شرط‌های دموکراسی محسوب می‌شود که جز با توافق شهروندان روی موضوعات اساسی قابل تحقق نیست. نهادهای مردمی این توانمندی را دارند که با جذب نیروهای پراکنده و رسیدن به قرائت و توافق مشترکی از مسائل مهم، نظام سیاسی را در سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان یاری کرده و ثبات سیاسی را تقویت کنند.

۳- روش تحقیق

در این پژوهش با بهره‌گیری از مبحث تئوریک ارتباط میان مفاهیم سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی مورد تبیین قرار گرفته است. برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های این موضوع در استان کردستان، از روش پژوهش آماری بهره گرفته شده است. پس از دریافت آمارهای دقیق از نهادهای رسمی با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، داده‌های موجود را تحلیل کرده و با استفاده از تئوری رابرت پاتنام به تجزیه و تحلیل آمارهای موجود و تأثیر آنها بر روند توسعه‌ی سیاسی در مقاطع مختلف پرداخته شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

نهادهای مدنی در استان کردستان عمر زیادی ندارند. پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و به دنبال آن، ناآرامی‌های سیاسی در استان و منطقه و همچنین جنگ هشت ساله رژیم بعث علیه انقلاب نوپای ایران، فضا را برای رشد و ظهور نهادهای مدنی فراهم نمی‌ساخت؛ اما امروزه به طور کلی، نهادهای

مدنی در استان فعال هستند و طبق آمارهای رسمی، بیشتر این تشکل‌ها نیز دارای مجوز رسمی فعالیت هستند. البته بسته به فضای سیاسی حاکم بر کشور، فعالیت این نهادها افزایش یا کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. در ایران، چندین نهاد حق صدور مجوز فعالیت تشکل‌های مردم نهاد را دارند. در این پژوهش، علاوه بر تشکل‌های زیر نظر استانداری، به تشکل‌های دارای مجوز از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل ورزش و جوانان و اداره کل بهزیستی استان نیز اشاره خواهد شد. تشکل‌های مدنی زیر نظر اداره‌ی بهزیستی، غالباً جنبه‌ی حمایتی دارند و با تحت پوشش قرار دادن اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه، تلاش می‌کنند که در کنار دولت بخشی از مشکلات این اقشار را کاهش دهند. کمیته‌ی امداد امام (ره) و سازمان بهزیستی در ایران، وظیفه‌ی تحت پوشش قرار دادن اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر را بر عهده دارند؛ اما در کنار این نهادهای دولتی، تشکل‌های مردم نهاد نیز در امر خدمات‌رسانی و کمک به این اقشار به شکل‌های گوناگون فعال هستند.

در صفحات پیش‌رو، اشاره‌ای به وضعیت کلی تشکل‌ها در استان و مجوزهای فعالیت آنان خواهیم داشت و در ادامه به تشکل‌های مردمی فعال در سطح استان کردستان اشاره می‌شود و نهایتاً، به صورتی کلی تحلیلی بر نقش تشکل‌های مردم نهاد در پیشبرد توسعه‌ی سیاسی در استان کردستان پس از انقلاب اسلامی خواهیم داشت. در جداول صفحات بعد، سه فاکتور لحاظ شده‌اند که عبارتند از: تاریخ صدور مجوز، گستره فعالیت و موضوع فعالیت.

۴-۱- آمار تشکل‌های مردم نهاد در استان کردستان (۱۳۹۵-۱۳۵۷)

طی مقطع مورد مطالعه این پژوهش، سازمان‌های مردم نهاد زیادی در حوزه‌های مختلف در استان کردستان فعال بوده‌اند و البته این نهادهای مردمی، در سال‌های اخیر رشد بیشتری یافته‌اند. طی دهه‌ی اول انقلاب، فقط تشکل‌های ادبی و هنری، آن هم به شکل محدود و اندک، مجال برای فعالیت یافته‌اند. البته این امر طبیعی به نظر می‌رسد؛ چرا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استان کردستان با ناآرامی و بی‌ثباتی سیاسی روبه‌رو بود و جنگ هشت ساله رژیم بعث علیه انقلاب نوپای ۵۷، ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی در ایران و به ویژه در استان کردستان را تشدید کرد. در فضای سیاسی ناامن و نظام سیاسی بی‌ثبات، رشد نهادهای مردمی تعلیق خواهد شد و نیروهای اجتماعی نیز علاقه‌ای به کارهای فرهنگی و کلا فعالیت‌های اجتماعی نخواهند داشت و بیشتر درگیرودار امورات روزمره گرفتار خواهند بود. در شرایط ناامنی، به خصوص در جنگ، که اوج تنش می‌باشد، دولت بازیگر اصلی و میدان‌دار بدون رقیب فضای سیاسی خواهد شد و آنچنان قدرتمند و یکه‌تاز می‌شود که اجازه عرض‌اندام به سایر بازیگران را نخواهد داد.

طبق جدول شماره‌ی ۱، استانداری کردستان (هیات نظارت استان و هیات‌های نظارتی فرمانداری‌ها) با صدور ۱۵۷ مجوز، بیشترین پروانه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در استان را صادر کرده و پس از آن، به ترتیب اداره کل بهزیستی و سازمان ملی جوانان بیشترین مجوز را صادر کرده‌اند. در مجموع ۳۳۵ مجوز برای فعالیت تشکل‌های مردم‌نهاد در استان کردستان، از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۹۵ صادر شده است.

جدول ۱: آمار کل تشکل‌های مردم‌نهاد در استان کردستان پس از انقلاب اسلامی

ردیف	عنوان مراجع صادر کننده پروانه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد	تعداد پروانه فعالیت
۱	هیات نظارت استان (استانداری)	۹۳
۲	هیات نظارت شهرستان (فرمانداری‌های تابعه استانداری)	۶۴
۳	پلیس اطلاعات و امنیت ناجا (استانی و شهرستانی)	۵
۴	اداره کل بهزیستی استان و شهرستانهای تابعه	۱۰۲
۵	سازمان ملی جوانان	۷۱
۶	جمع کل سازمان‌های مردم‌نهاد استان کردستان	۳۳۵

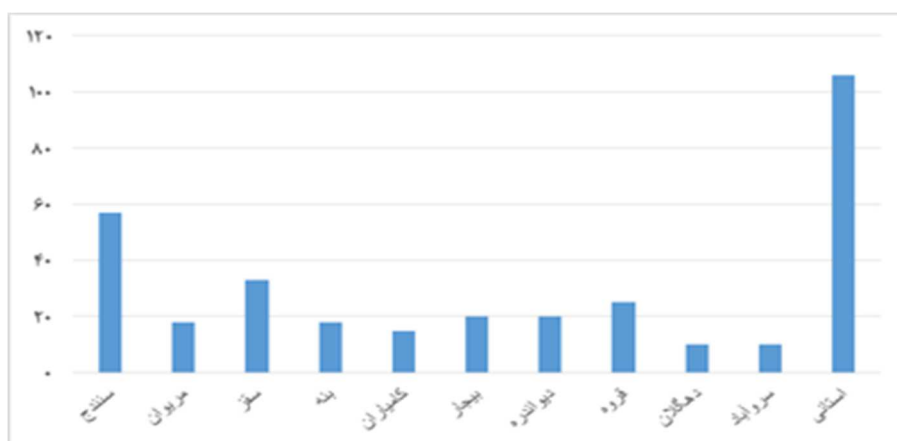
منبع: سازمان فرهنگ و ارشاد استان کردستان

نهادهای مدنی در استان کردستان، حتی پس از جنگ یعنی؛ در دوره سازندگی، نیز رشد چندانی نداشته‌اند و طی ۸ سال جنگ نیز فقط تعداد محدودی مجوز برای فعالیت آنها صادر شده است. در دولت اصلاحات، یعنی بین سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، شاهد رشد قابل توجه نهادهای مدنی هستیم. پس از دولت اصلاحات، یعنی طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، این روند رشد تا اندازه‌ای ادامه پیدا کرده؛ اما حوزه‌های فعالیت متفاوت بوده است. طبق آمارها، دوره سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵، که فقط شامل ۳ سال می‌شود، اوج رشد تشکل‌های مردم‌نهاد در استان کردستان بوده است. پس از انقلاب مجموعاً ۳۳۵ تشکل مردم‌نهاد در استان کردستان مجوز دریافت کرده‌اند که سنندج با اخذ ۵۷ مجوز در بین شهرهای استان کردستان رتبه‌ی اول را داراست و سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵، با صدور ۱۸۸ مجوز، فعالترین دوره بوده است. به طور کلی وضعیت دوره‌ها و شهرهای مختلف استان کردستان از نظر میزان صدور مجوز برای تشکل‌های مردم‌نهاد، به شرح ذیل است؛ طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ بیشترین و سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ کمترین مجوز صادر شده است. صدور مجوزهای استانی با ۱۰۶ مورد بالاترین بوده است و شهرستان سنندج، مرکز استان با صدور ۵۷ مجوز در رده‌ی اول قرار دارد. دو شهرستان سروآباد و دهگلان نیز هر کدام با ۱۰ مجوز اخذ شده در رده‌ی آخر کسب مجوز برای فعالیت نهادهای مردمی بوده‌اند.

جدول ۲: آمار کامل مجوزهای صادره از سوی نهادهای مختلف برای تشکلهای مردم نهاد کردستان به تفکیک شهرستان

سال / شهر	۱۳۶۸-۱۳۵۷	۱۳۷۶-۱۳۶۸	۱۳۸۴-۱۳۷۶	۱۳۹۲-۱۳۸۴	۱۳۹۵-۱۳۹۲	جمع
سنندج	۰	۲	۹	۱۷	۲۹	۵۷
مریوان	۰	۲	۵	۲	۹	۱۸
سقز	۲	۰	۴	۶	۲۱	۳۶
پانه	۰	۱	۳	۳	۱۱	۱۸
کامیاران	۰	۳	۳	۴	۵	۱۵
بیجار	۱	۲	۴	۵	۸	۲۰
دیواندره	۰	۰	۴	۸	۸	۲۰
قروه	۱	۰	۲	۹	۱۳	۲۵
دهگلان	۰	۲	۲	۱	۵	۱۰
سروآباد	۰	۰	۳	۴	۳	۱۰
استان	۰	۰	۴	۲۶	۷۶	۱۰۶
جمع	۴	۱۲	۴۳	۸۵	۱۸۸	۳۳۵

منبع: فرمانداری سنندج و سازمان فرهنگ و ارشاد استان کردستان



نمودار ۱: مقایسه میزان صدور مجوز از سوی نهادهای مختلف در شهرستانها و استان کردستان

۴-۲- حوزه‌ی فعالیت کل انجمن‌های مردم نهاد استان کردستان

- طبق آماري که از استانداری کردستان دریافت شده‌است، وضعیت فعالیت ۱۵۷ تشکلی که این نهاد (استانداری و فرمانداری‌ها) مجوز فعالیت‌شان را صادر کرده، به شرح ذیل است:
- حوزه‌ی خیریه و حمایتی با ۲۲ تشکل، دارای بیشترین مجوز صادر شده برای فعالیت است.
 - حوزه‌ی قرآنی با ۲ مورد اخذ مجوز، کمترین مجوز صادر شده برای فعالیت را دارا است.

جدول ۳: آمار تشکل‌های فعال مدنی استان به تفکیک حوزه‌ی فعالیت

ردیف	حوزه‌ی فعالیت	تعداد مجوز صادره
۱	حوزه‌ی زنان	۱۰
۲	حوزه‌ی خیریه، حمایتی	۲۲
۳	حوزه‌ی محیط زیست	۲۱
۴	حوزه‌ی هنری	۶
۵	حوزه‌ی اجتماعی	۱۴
۶	حوزه‌ی بیماریها	۵
۷	حوزه‌ی اعتیاد	۱۲
۸	حوزه‌ی فرهنگی	۱۴
۹	حوزه‌ی ورزشی	۶
۱۰	حوزه‌ی اشتغال	۵
۱۱	حوزه‌ی حقوقی	۴
۱۲	حوزه‌ی علمی	۱۲
۱۳	حوزه‌ی سلامت و روان	۶
۱۴	حوزه‌ی بیماریهای خاص	۳
۱۵	حوزه‌ی قرآنی	۲
۱۶	حوزه‌ی کشاورزی	۸
۱۷	حوزه‌ی گردشگری	۳
۱۸	حوزه‌ی عمرانی	۴
	جمع کل مجوزهای صادره	۱۵۷

۴-۳ روند تاریخی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر توسعه‌ی سیاسی در استان کردستان

وضعیت توسعه‌ی سیاسی در استان کردستان بعد از پیروزی انقلاب، با فراز و فرودهای زیادی روبه رو بوده است؛ به طوری که در دوره‌های مختلف و بسته به فضای سیاسی حاکم بر کشور،

وضعیت توسعه‌ی سیاسی استان نیز تغییر یافته است. به عبارت دیگر، روندی ثابت بر توسعه‌ی سیاسی این استان حاکم نبوده و در مقاطعی حتی با بن بست روبه رو شده است. طبق تحلیل پاتنام، می‌توان عنوان کرد که ضعف نهادهای مدنی و عدم رغبت شهروندان برای حضور و فعالیت در تشکل‌های غیردولتی به دلیل هزینه‌های احتمالی و فضای سیاسی محدود، زمینه‌ی تحقق توسعه‌ی سیاسی را با مشکل روبه رو می‌سازد. البته هر زمانی که فضای مناسبی برای حضور و فعالیت نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی فراهم بوده، پاره‌ای از شاخصه‌های توسعه‌ی سیاسی نیز رشد داشته و هر زمان فضای رشد و حضور نهادهای غیردولتی نامناسب بوده، شرایط توسعه‌ی سیاسی نیز سخت‌تر شده است. بسته به دوره‌های مختلف سیاسی، مولفه‌های مهم سرمایه‌ی اجتماعی نیز دستخوش تغییر بوده‌اند؛ مثلاً میزان اعتماد سیاسی و اجتماعی، احساس مسئولیت نهادی، صداقت و عام‌گرایی و نیز وجود شبکه‌های اجتماعی در دوران بعد از انقلاب، در استان کردستان با فراز و نشیب مواجه بوده است.

در هر دوره‌ی سیاسی، که زمینه و شرایط رشد همبستگی و انسجام و اعتماد سیاسی و اجتماعی فراهم بوده است؛ شهروندان تمایل بیشتری به حضور و فعالیت در عرصه‌های مختلف سیاست داشته‌اند. در چنین شرایطی، میزان مشارکت مردم در انتخابات بالاتر بوده و همچنین نیروهای سیاسی به حضور در تشکلهای و احزاب سیاسی علاقه‌ی بیشتری داشته‌اند. برعکس، در دوره‌هایی که به هر شکل اعتماد سیاسی و اجتماعی مردم خدشه دار شده و شبکه‌های اجتماعی تحت تأثیر فضای حاکم تضعیف شده‌اند، مردم با مشارکت کمتری به استقبال انتخابات رفته‌اند و فعالان سیاسی و مدنی نیز تحت تأثیر فضای حاکم، رغبت چندانی برای حضور در عرصه نداشته‌اند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

نهادهای مدنی نقش مهمی در پیشبرد توسعه‌ی سیاسی ایفا می‌کنند و بدون یک جامعه نهادمند و مسئولیت پذیر، توسعه‌ی سیاسی امکان پذیر نخواهد بود. نهادهای مدنی از طریق افزایش میزان مشارکت مردم و بیان خواسته‌ها و تسهیل گردش غیر خشونت‌بار قدرت، در پیشبرد توسعه‌ی سیاسی مؤثر خواهند بود. نهادهای مدنی در شرایطی می‌توانند موثر واقع شوند که با حمایت قانون از فشارهای نهاد قدرت برحذر باشند. اگر نهادهای مدنی جز قوانین موجود، به اجبارها یا فشارها از جانب نهادهای قدرت یا جناح‌های سیاسی تن دهند، هرگز نمی‌توانند در نقش یک تشکل مدنی در پیشبرد توسعه‌ی سیاسی نقش مثبتی ایفا کنند. در چنین شرایطی، نهادها نه

مدنی و مردمی، بلکه بخشی از قدرت یا جریانات سیاسی خواهند بود و برای تأمین منافع حاکمیت یا یک جریان سیاسی خاص فعال خواهند بود.

بر همین اساس، در مبحث ارتباط نهادهای مدنی و توسعه‌ی سیاسی با عنایت به مباحث تئوریک رابرت پاتنام، سه نتیجه کلی حاصل شد. ۱- وجود جامعه‌ی مدنی قوی و کارآمد، زمینه‌ساز فعالیت نهادهای مدنی و حضور همگانی مردم در عرصه‌ی اجتماع است؛ اما جامعه‌ی مدنی ضعیف و بی‌ثبات نه تنها باعث عدم رغبت مردم برای حضور مردم در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی می‌شود؛ بلکه اساساً زمینه‌های مشارکت سیاسی را از بین می‌برد. ۲- در جوامعی که میزان نهادهای مدنی بالا بوده است، قدرت حاکمه تحت فشار قرار گرفته و تلاش برای گذار به توسعه‌ی سیاسی بیشتر بوده است. ۳- زمانی که قدرت سیاسی تحت فشار قرار بگیرد، غالباً شاهد توزیع قدرت و تقویت حوزه‌ی عمومی خواهیم بود. به‌طور کلی، اعتماد اجتماعی با دو مؤلفه‌ی اصلی شبکه‌های مشارکت مدنی و هنجارهای معامله متقابل، نقشی عمیق و تاثیرگذار را در پیشبرد روند توسعه‌ی سیاسی ایفا می‌نماید.

یکی از کارویژه‌های مهم نهادهای مدنی، کمک به حل منازعات سیاسی و جلوگیری از افزایش شکاف‌های سیاسی و اجتماعی است. چنانچه نهادهای مدنی در یک جامعه فعال باشند، بی‌تردید در مقاطع حساس به حل بحران و منازعات با سطح خشونت پایین کمک زیادی می‌کنند؛ اما در صورتی که نهادهای مدنی تحت فشار حاکمیت به ابزاری برای سرکوب نیروهای اجتماعی تبدیل شوند و در عوض، منافع عده‌ای اندک را تأمین کنند، در دوران تنش سیاسی و بحران نمی‌توانند نقش موثری داشته باشند و همچنین نه تنها نقشی در پیشبرد توسعه‌ی سیاسی ندارند، بلکه شرایط انسداد سیاسی را نیز تسهیل می‌کنند.

وضعیت نهادهای مدنی، به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در استان کردستان، ارتباط مستقیمی با بهبود شاخصه‌های توسعه‌ی سیاسی داشته است. به طوری که با توجه به آمارهای موجود، طی دوره‌های متفاوت از نظر سیاسی میزان رشد نهادهای مدنی متفاوت بوده و بین رشد این نهادها از نظر کمی طبق آمار نهادهای مسئول با میزان مشارکت سیاسی ارتباط مستقیم وجود دارد.

در دوره‌ی اول پس از انقلاب، ناامنی در استان کردستان حاکم بوده است و به همین علت، فضای مناسبی برای رشد سرمایه‌ی اجتماعی وجود نداشته و همچنین اعتماد اجتماعی و سیاسی پایین بوده و امکان رشد نهادهای مدنی فراهم نبوده است.

در دوره سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸، با توجه به ناآرامی‌های سیاسی و عدم تثبیت انقلاب و همچنین آغاز جنگ تحمیلی، میزان مشارکت‌های مدنی در بیشتر شهرستانهای استان کردستان

پایین بوده و حتی در دوره‌ی اول انتخابات ریاست جمهوری، در چند شهر به دلایل امنیتی برگزار نشده است؛ نهادهای مدنی و احزاب سیاسی توسعه نیافته‌اند و همه چیز تحت تاثیر ناآرامی سیاسی و جنگ بوده است. در این شرایط، تمرکز نظام نوپا نه بر ایجاد و توسعه‌ی نهادهای مدنی و احزاب؛ بلکه بر تثبیت امنیت و حفظ تمامیت ارضی کشور بوده است. در شرایط بی ثباتی و ناآرامی سیاسی، اعتماد اجتماعی و سیاسی شهروندان نیز کاهش پیدا کرده و کلاً سرمایه اجتماعی نیز تقلیل یافته و نیروهای اجتماعی هم متشکل نبوده‌اند. بنابراین، شرایط برگزاری انتخابات نامناسب بوده و مشارکت نیز پایین بوده است. پس از پایان جنگ هشت‌ساله بین نظام نوپای اسلامی ایران و رژیم بعث، نهادسازی برآمده از انقلاب نیز تثبیت شده و در سراسر کشور فضای مطلوبی جهت توسعه‌ی نهادهای مدنی به وجود آمد. ابتدا در دولت سازندگی، تلاش شد تا رشد اقتصادی ارتقاء یافته و ویرانه‌های به وجود آمده از دوران جنگ تحمیلی آباد گردد؛ و سپس با آغاز دولت اصلاحات، روند گسترش نهادهای مدنی نیز تسریع شد. در دوره‌ی موسوم به اصلاحات، سازمان‌های مردم نهاد در استان کردستان، رشد چشمگیری داشته‌اند و این روند توسعه در دولت‌های بعدی نیز، ادامه پیدا کرده است. با توسعه‌ی سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی، فضای سیاسی کشور، به ویژه در ایام انتخابات نیز حالت رقابتی و پرشوری پیدا کرده است. بنابراین در مجموع، انتخابات‌هایی که در سال‌های پس از تثبیت انقلاب و ظهور سازمان‌های مردم نهاد، برگزار شدند؛ با استقبال و مشارکت مردمی بیشتری همراه بوده‌اند. البته در دورانی که فضای اجتماعی و سیاسی برای فعالیت این تشکل‌ها و نهادهای مردمی، نامناسب بوده، به دنبال آن، میزان مشارکت مردم نیز کاهش پیدا کرده است.

پس از پیروزی انقلاب، که فضای سیاسی حاکم بر کل کشور یک فضای انقلابی بود و طبیعتاً نیروهای سیاسی پس از فروپاشی نظام سابق جهت تصاحب قدرت مبارزه می‌کردند و به عبارتی انقلاب هنوز تثبیت نشده بود، شرایط برای رشد توسعه‌ی سیاسی فراهم نبود. البته شرایط استان کردستان در این دوره‌ی تاریخی پیچیده‌تر از سایر استان‌ها نیز بود و ناآرامی‌های سیاسی در این استان شرایط توسعه را مشکل‌تر ساخته بود. حتی جنگ ۸ ساله رژیم بعث علیه انقلاب نوپای ایران، با توجه به همجواری استان کردستان با عراق، تأثیرات منفی قابل توجهی را در این منطقه بیش از سایر مناطق کشور بر روند توسعه‌ی سیاسی ایجاد کرد. در این دوره یعنی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ یعنی از بعد از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ ۸ ساله، به علت ضعیف بودن سرمایه‌ی اجتماعی در اثر وجود تنش‌های سیاسی و اجتماعی، میزان مشارکت مردم استان در انتخابات پایین بوده، (هرچند با فاصله از سال‌های اولیه‌ی انقلاب، به مرور میزان مشارکت نیز بالا رفته)، فعالیت نهادهای مدنی در این دوره بسیار پایین بوده است و طبق آمارها حتی در بعضی

از شهرستان‌ها مجوزی برای فعالیت نهادهای مدنی صادر نشده است. این روند در سالهای پس از جنگ بهبود می‌یابد؛ زیرا به تدریج شاخصه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در استان افزایش می‌یابد و به این خاطر طی این دوران، هم مشارکت سیاسی نسبتاً افزایش می‌یابد و هم میزان نشریات و نهادهای مدنی تا حدودی توسعه می‌یابد. اما اوج روند بهبود توسعه‌ی سیاسی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ بوده که هم مشارکت سیاسی شهروندان در استان به بالاترین حد خود پس از پیروزی انقلاب رسید و هم نهادهای مدنی رشد بسیار بالایی داشته است. در این دوره، ضمن ایجاد فضای مناسب برای فعالیت‌های مدنی، میزان صدور مجوز برای این نهادها افزایش می‌یابد و در مقابل رغبت شهروندان برای حضور در عرصه نیز افزایش یافته است و در کل اعتماد اجتماعی و سیاسی مردم نیز نسبت به همدیگر و نسبت به حکومت رشد می‌یابد؛ چرا که در مجموعه انتخابات این مقطع، میزان مشارکت مردم تقریباً برابر متوسط کشوری بوده و حتی در بعضی شهرها از متوسط کشوری نیز بالاتر رفته است. مشارکت بالای مردم در انتخابات یکی از معیارهای مهم سنجش میزان اعتماد سیاسی مردم است و میزان مشارکت شهروندان در نهادهای مردمی نیز حکایت از اعتماد اجتماعی بالای آنها دارد.

روند رشد شاخصه‌های توسعه‌ی سیاسی در دوره‌ی بعد، یعنی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در مواردی کند شده است و با توجه به میزان پایین مشارکت مردم در انتخابات و تعداد کم انتشار مطبوعات و ... می‌توان به این مهم پی برد. اما در مجموع، با سنجش نسبت به سال‌های اولیه انقلاب، در این دوره نیز توسعه‌ی سیاسی روند نسبتاً خوبی داشته است و عدم مشارکت بالا نسبت به دوره‌ی قبل‌تر، هماهنگ با سراسر کشور بوده و به نوعی رفتار سیاسی شهروندان استان کردستان متمایز از شهروندان دیگر مناطق ایران نبوده است.

به‌طور کلی، در پایان می‌توان عنوان نمود که در نتیجه بررسی‌ها و مطالعات انجام شده، فرضیه‌ی مقاله مبنی بر اینکه «نهادهای مدنی با تقویت اعتماد اجتماعی، تسهیل نهادسازی و از طریق بالابردن احساس مشارکت و مسئولیت جمعی می‌توانند در روند ارتقای توسعه‌ی سیاسی موثر واقع شوند؛ و رشد سرمایه‌ی اجتماعی، نقش مهمی در گسترش توسعه‌ی سیاسی در استان کردستان پس از انقلاب ایفا نموده است»، تایید می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان گفت که در هر مقطعی که در استان کردستان طی سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، نهادهای اجتماعی تقویت شده‌اند و اعتماد اجتماعی افزایش پیدا کرده است، میزان فعالیت نشریات و نهادهای مدنی نیز افزایش یافته است و روند مشارکت سیاسی، مسئولیت جمعی و تعهد اجتماعی تقویت شده و فرآیند پیشبرد توسعه‌ی سیاسی استان کردستان نیز آهنگ سریع‌تری پیدا کرده است که این واقعیت با مبانی نظری مطرح شده توسط پاتنام مطابقت دارد. پاتنام با در نظر گرفتن نقش‌ها و

کارویژه‌های گسترده‌تری، نسبت به دیگر اندیشمندان، برای نهادهای جامعه‌ی مدنی، عملاً این نهادها را مهمترین عامل ثبات سیاسی، دموکراتیزه کردن نظام، تعامل و همکاری بین شهروندان، اعتماد سیاسی و اجتماعی و ایجاد کننده‌ی روحیه‌ی کار جمعی معرفی می‌کند. پاتنام اعتقاد دارد که مدنیت با برابری و مشارکت ارتباط مستقیم دارد و این نهادهای مدنی هستند که هم افزایش مشارکت و هم برابری سیاسی را تضمین می‌کنند. وی نقش جامعه‌ی مدنی را حتی گسترده‌تر نیز می‌داند؛ به طوری که بسیاری از مولفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی مانند صداقت و عام‌گرایی، اعتماد سیاسی و اجتماعی، احساس مسئولیت سازمانی و نهادی، و قانون‌گرایی را صرفاً در جامعه‌ای با نهادهای مدنی گسترده و قدرتمند، قابل مشاهده می‌داند. در این میان، حکومت با حمایت از نهادهای مدنی و تشکلهای اجتماعی و تشویق جوانان برای مشارکت در آنها، می‌تواند در تقویت جامعه‌ی مدنی و در نتیجه در تربیت شهروندان مسئولیت‌پذیر نقش مهمی ایفا کند. البته باید اذعان داشت که توسعه‌ی سیاسی مفهومی نسبی است و طبیعتاً پارامترهای متعددی در رشد آن اثرگذار هستند؛ اما طبق داده‌های آماری هر دوره‌ای که شرایط برای فعالیت نهادهای مدنی فراهم شده است، میزان مشارکت سیاسی شهروندان، افزایش داشته است.

منابع

- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۷۷). توسعه‌ی سیاسی و جامعه‌ی مدنی. ماهنامه‌ی *اطلاعات اقتصادی-سیاسی*، ۱۲۷ و ۱۲۸، ۴۵-۳۸.
- باختین، میخائیل و یورگن هابرماس (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی*. ترجمه‌ی منصور انصاری. تهران: نشر مرکز.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴). *عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه؛ جامعه‌شناسی و توسعه‌ی سیاسی* (چاپ پنجم). تهران: نشر نگاه معاصر.
- پاتنام، رابرت (۱۳۹۲). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات قدیانی.
- پایا، علی (۱۳۷۷). *جامعه‌ی مدنی و هویت اسلامی: کدام اسلام، کدامین جامعه؟*. نشریه‌ی *کیان*، ۴۴، ۴۳-۳۵.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۲). سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۶، ۳۲-۱.
- حیدری، لیلی (۱۳۸۹). *بررسی ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت ملی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی).

- دلاویز، علی (۱۳۸۴). بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در نگرش به توسعه‌ی سیاسی در بین معلمان شهرستان مریوان در سال ۱۳۸۴ (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز).
- شاه حسینی، ماهرو (۱۳۸۱). مطالعه و بررسی سرمایه‌ی اجتماعی در عملکرد انجمن‌های اعتبار گردشی زنان در تهران. در مجموعه مقالات. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- شجاعی باغینی، محمدمهدی (۱۳۸۷). مبانی مفهومی سرمایه‌ی اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قادری، محمد (۱۳۹۰). سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)).
- نش، کیت و اسکات، الن (۱۳۸۸). جامعه شناسی سیاسی (جلد دوم). ترجمه‌ی فرامرز تقی‌لو و دیگران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصحیان، محمدمهدی (۱۳۸۷). نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه‌ی سیاسی. فصلنامه راهبرد یاس، ۱۴، ۱۸۰-۱۶۵.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۵). یورگن هابرماس: نقد در حوزه‌ی عمومی. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- الوانی، مهدی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵). سرمایه‌ی اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها). تهران: نشر مانی.
- Helliwell, J. F., & Putnam, R. D. (1995). Economic growth and social capital in Italy. *Eastern economic journal*, 21(3), 295-307.
- Putnam, R. (1993). The prosperous community. *The American Prospect*, 13(4), 1- 38.
- Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, 6, 65-78.
- Putnam, R. D. (1995 a). Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America. *PS: Political Science & Politics*, 28(4), 664-684.
- Siisiainen, M. (2003). Two concepts of social capital: Bourdieu vs. Putnam. *International Journal of Contemporary Sociology*, 40(2), 183-204.

- Weisberg, H. F. (2005). The structure and effects of moral predispositions in contemporary American politics. *The Journal of Politics*, 67(3), 646-668.

The Effect of Social Capital on the Process of Political Development (Case Study: Kurdistan Province after the Islamic Revolution of Iran)

Omid Azizyan¹ & Ali Akbar Jafari²

Received: 3 Aug 2020

Accepted: 20 Jan 2021

Abstract

Social capital, as a prominent concept in social sciences, plays an important role in advancing the process of political development. The first and perhaps the most important topic in social capital is the development of civil society. Social cohesion and political coherence achieved through public union and participation in civic institutions also strengthens political stability. Our main questions in this article are: What mechanisms of civil society affect the political development? In Kurdistan Province, how did civil institutions, after the Islamic Revolution of Iran, affect civil participation and political development? To answer the research questions in the present research, using the theoretical framework of Robert Putnam, the relationship between the concepts of social capital and political development has been studied. To collect and analyze the data from Kurdistan Province, a statistical research method has been used. The findings of the research show that in Kurdistan province, after the revolution, civil institutions have been strengthened, social trust and social capital have increased, peoples' participation and activities in civil institutions has increased and the process of promoting political development has advanced as well.

Keywords: social capital; civil institutions; political development; Kurdistan.

1- PhD. Student in Political Sciences, University of Mazandaran, omidazizyan@gmail.com
2- Associate Professor, Department of Political Science, University of Mazandaran,
(Corresponding Author), a.jafari@umz.ac.ir